

نظام تقسیمات کشوری و پراکنش جمعیت در گستره استان سمنان

دکتر علیرضا محرابی^۱

عضو هیأت علمی جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

سیدحسین میرحسین زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۱/۱۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۸/۱۰

چکیده

استان سمنان یکی از استان‌های پهناور و کم تراکم کشور است به طوری که در میان استان‌های موجود از لحاظ وسعت رتبه هفتم را دارد ولی از لحاظ جمعیت در رتبه بیست و نهم واقع شده است. بنا بر این مقدار جمعیت آن با توجه به مقدار وسعت آن بسیار کم است. حداقل نیمی از وسعت این استان به نوبه خود از شرایط و تمهیدات کافی و وافی برای استقرار جمعیت‌های انسانی لاقط در حد میانگین تراکم جمعیت کشور برخوردار است؛ ولی در حال حاضر این خصوصیت برای این استان وجود ندارد. علاوه بر این استان از لحاظ مقدار تراکم جمعیت (تعداد نفرات در واحد سطح) در میان استان‌های کشور ما در پایینترین رتبه قرار گرفته است. همچنین چیدمان جمعیت مستقر در آن نیز از نظم و سامان لازم برخوردار نیست، به گونه ای که غالب جمعیت این استان در حریم شهرهای آن (به خصوص شهرهای رده اول استان) و همچنین در نواحی اطراف این شهرها و در امتداد جاده سراسری استان استقرار یافته اند و سایر نقاط استان علیرغم برخورداری از شرایط و تمهیدات کافی، غالباً دچار روند نزولی و گسیختگی جمعیت‌ها و واحدهای سکونت‌گاهی مستقر (با توجه به قدمت آنها) شده اند. در این مقاله در تلاش هستیم به تبیین وضعیت و ارائه راهکارهای مؤثر جهت پراکنش مناسب و مطلوب جمعیت در گستره این استان مهم کشور نائل شویم.

واژگان کلیدی: جغرافیا، انسان، خاک، آب، پراکنش جمعیت، آمایش سرزمین، تقسیمات کشوری، استان سمنان

مقدمه

الذی جعل لکم الأرض فراشاً و السماء بناءً و أنزل من السماء ماءً فأخرج به من الثمرات رزقاً لکم فلا تجعلوا لله أنداداً و أنتم تعلمون

آن خدائی که برای شما زمین را گسترده و آسمان را بر افراشت و از آسمان آبی فرو بارید که به سبب آن میوه های گوناگون برای روزی شما بیرون آورد، پس کسی را مثل او قرار ندهید با آنکه میدانید که خدا ذات بی مثل و مانند است (سوره مبارکه بقره- آیه ۲۲)

اساساً ساختار مفهومی جغرافیا که از آن بعنوان علم شناخت پراکندگی ها و رویارویی با تبعات آن یاد میشود در برخورد با تفاوت ها و ناهماهنگی های بین دو مؤلفه متشکله خود (انسان و محیط) بنا گشته است. حال واقعیت امر این است که در همه جا و همه قاره ها، تعادل در این تعامل به نحو مطلوب برقرار نیست. اما اینجا انسان بعنوان عامل مؤثر در جغرافیا این توانایی را دارد که تفاوت های مطروحه را به سمت تعادل سوق دهد. به هر حال علم جغرافیا مبتنی بر مواجهه دو مؤلفه شاکله خود یعنی انسان و محیط است و اینکه این دو مؤلفه همواره بتوانند خواسته های متقابل یکدیگر را همپوشانی کنند قابل اغماض نخواهد بود؛ چه اینکه اصل توسعه پایدار و استمرار آن منوط به این همپوشانی بوده و خواهد بود. لهذا دغدغه مهم طراحان آمایش سرزمین همانا پراکنش بهینه جمعیت و شکل گیری الگوهای متعادل با داده ها و ظرفیتهای محیطی و عدم نقص در همپوشانی مطروحه است.

به هر ترتیب ایران ما یکی از کشورهای مسأله دار در عدم تعادل بین انسان و محیط محسوب می گردد. در این مقاله سعی بر این خواهد بود که به این مسأله و معضل از دیدگاه جغرافیای سیاسی و تحت عنوان طرح سامان یابی سیاسی فضا با توجه به مؤلفه جمعیت و الگوهای پخشایش بهینه جمعیتی نگریسته شود. هر چند در یک نگاه کلی بخش عمده وسعت کشور ما امروزه با معضل ناهماهنگی جمعیت و محیط مواجه میباشد اما در این مقاله سعی بر این است که یکی از حساس ترین و مسأله دار ترین مناطق کشور در این رابطه انتخاب و مورد بررسی قرار گیرد؛ و لهذا گستره جغرافیایی استان سمنان انتخاب شده است.

این استان با وسعت قریب به ۹۷/۵ هزار کیلومتر مربع در ضلع جنوب و جنوب شرق کوهستان البرز و در مسیر ارتباطی تهران-خراسان واقع شده است. شمال آن به سلسله جبال البرز و جنوب آن به بیابانها و کویر مرکزی ایران منتهی میشود. مشتمل بر ۸ شهرستان (سمنان، شاهرود، دامغان و گرمسار) بوده و براساس آخرین سرشماری قریب به ۶۰۰ هزار نفر را در خود جای داده است. ذیلاً به پاره ای مشکلات و نابسامانی ها که دلایل عمده انتخاب این استان از سوی نگارندگان این مقاله می باشند اشاره می شود:

۱- موقعیت خاص ارتباطی، سبقه تاریخی و قرابت، همجواری و اشتراک مرزی وسیع با استان های مرکزی و پرجمعیت کشور از جمله تهران.

۲- پهنه این استان به نوعی نماینده تفاوت های اقلیمی کشور می باشد. بدانگونه که اینجا را با توجه به وجود تفاوت های اقلیمی (توپولوژی، هیدرولوژی و...) میتوان «ایران کوچک» نامید. همچنین تنوع فرهنگها و وجود بافتهای

عشایری استان، تنوع چشمگیر معیشتی را در جوامع انسانی ساکن در نقاط مختلف استان به منصفه ظهور گذاشته، که این خود قابل توجه می‌باشد.

۳- عدم تعادل و ناهماهنگی پراکنش جمعیت در فضای سرزمینی در سطح منطقه. به طوری که از سویی جمعیت نسبتاً متراکم در حریم شهرهای مطرح و شهرکها و آبادیهای واقع در حواشی آنها استقرار یافته اند و از سوی دیگر تعداد بسیاری از آبادیها کم جمعیت هستند.

۴- شدت مهاجرت به شهرها و بخش متراکم مرکزی منطقه و وقوع حاشیه‌نشینیها در این بخش و در مقابل، ایجاد گسیختگی استقرار نیروی انسانی در مناطق دوردست تر؛ که در این زمینه منطقه مورد مطالعه به یکی از آسیب پذیرترین استانهای ایران تبدیل شده است. چنانکه پنجمین استان شهرنشین کشور است.

۵- رقم پایین جمعیت استان و قلت تراکم آن در نگاه کلی؛ استان سمنان هفتمین استان وسیع کشور است لیکن از لحاظ جمعیت در رتبه ۲۹ واقع شده است. از لحاظ تراکم جمعیت در سرزمین نیز از بین استانهای کشور رتبه آخر را به خود اختصاص داده؛ یعنی در حالی که رقم تراکم جمعیت ایران حدود ۴۳ نفر در هر کیلومتر مربع است این رقم در این استان به حدود ۶/۱ نفر در کیلومتر مربع میرسد. اما میتوان گفت که گرچه جنوب استان به کویر و بیابان منتهی میشود لیکن پهنه های وسیعی از شمال و مرکز عرصه این استان علی‌رغم استمتاع طبیعی از موهبت همجواری با کوهستان البرز و دسترسی مناسب به منابع آب، از جمعیت فراخور خود برخوردار نیستند و به تعبیر دیگر با مشکل کمبود جمعیت و تخلیه آبادیها و مهاجرت فرستنی به نقاط دیگر مواجه اند، که با این وصف مشکل رها شدن اراضی و بالطبع پیشرفت کویر و بیابان دامنگیر عرصه های وسیعی از استان شده است.

۶- تفاوت وسعت و تراکم جمعیتی کوچکترین و بزرگترین واحدهای سیاسی استان حتی به ده برابر میرسد. طبیعتاً وجود این اختلاف، در ناهماهنگی خدمات رسانی اثرات ژرفی گذاشته است. سخن این است که شهرستانهای این استان گرچه در زمینه داده های اقلیمی و دسترسی به منابع آب و ظرفیتهای طبیعی با یکدیگر تفاوت دارند اما دامنه این تفاوتها تا آن حد نیست که اختلاف تراکم جمعیت و وسعت واحدهای تقسیماتی را تا به این حد دامن زده باشد. بدیهی است که در این زمینه مسائل دیگری در ایجاد این حجم تفاوت دخیل و مؤثر بوده است.

روش بررسی

در یک نگاه کلی مبنای عمده این مقاله این است که دو تصویر شامل (۱) - ظرفیتهای سرزمینی و داده هایی که جوابگوی استقرار جمعیت و تأمین نیازهای آنهاست و (۲) - وضعیت موجود استقرار جمعیت در پهنه این استان؛ در انطباق با یکدیگر واقع شوند. و سعی شود که در قاموس تعادل بین انسان و محیط، راهکارهای خاص ارائه شود. از جمله اینکه در ترسیم ساختار فضائی سرزمین، قطعه بندی از نگاه تسهیل دسترسی آبادیهای دوردست تر و مناطقی مد نظر قرار گیرد که علی‌رغم برخورداری از منابع و امکانات کافی، به علت مشکل دسترسی و دوری از مراکز تقسیماتی به وجه مناسب از جمعیت کافی مورد نظر برخوردار نبوده بلکه جمعیت موجود آنها نیز اصرار به مهاجرت دارند. به هر صورت سؤال اصلی این مقاله بر این موضوع استوار است که وضعیت پراکنش جمعیت در سطح استان سمنان از منظر ساخت فضای سیاسی جغرافیای سرزمینی (پراکنش جمعیت و تقسیمات سیاسی) چگونه است؟

در خصوص فرضیات مرتبط با این سؤال نیز بر موارد ذیل تأکید گردیده است:

(۱) تاکنون در شکل بندی فضای جغرافیایی گستره استان، تابعیت از تقیّدات تقسیماتی موجود و غفلت از مبانی و منویات اصول توسعه پایدار به نوبه خود در ناهمگونی و اختلال در تعادل جمعیت مؤثر بوده است.

(۲) در تصمیمات تقسیماتی درون این استان، تأکید و ابتناء بیشتر بر وسعت و چگونگی پراکنش ظرفیتهای سرزمینی و تعیین و تقویت مراکز تقسیماتی اقماری بر اساس تسهیل دسترسی ها و تأمین نیازهای روزمره اهالی نواحی، در تعادل و تنظیم جمعیت گستره استان مؤثر خواهد بود.

ضمناً روش شناسی این مقاله در گردآوری بر اساس روش کتابخانه ای و تجزیه و تحلیل بر اساس روش کمی و کیفی قرار دارد.

مفهوم شناسی

- «فضا» و «مکان»

واژه مکان^۱ مشتمل بر قسمت مجزائی از فضا است که در معرض اشغال اشخاص و موجودات مورد نظر دیگر (اعم از زنده و غیر زنده) باشد. در واقع مکان یک قسمت ویژه از فضا است.

و اما در دیدگاه فیزیکی و جبرگرائی از تعریف جغرافیا، عناصر اصلی و محوری هسته جغرافیا که مورد توافق همه جغرافیدانان قرار داشته و در تعاریف و گرایشهای مختلف آنان آشکار است، شامل چهار بعد مهم (۱) فضا؛ (۲) مکان؛ (۳) انسان و محیط انسانی^۲ و (۴) نقشه، می شود (پورا احمد، ۱۳۸۵، ص ۷۷). فرد کورشیفر^۳ علم جغرافیا را «علم قوانین حاکم بر نحوه پراکندگی و توزیع فضائی پدیده ها و چهره های ویژه سطح زمین» میدانند (شکوئی، ۱۳۷۵، ص ۱۸) و برد^۴ (۱۹۸۹) این علم را در قالب علم «مطالعه علمی روابط فضائی متغیر بین پدیده های قابل مشاهده به عنوان جایگاه انسان و جهان انسانی» تعریف می کند (پورا احمد، ۱۳۸۵، ص ۷۷).

البته واژه «فضا» در علوم مختلف، از معانی مختلف مربوطه برخوردار است اما در علم جغرافیا از تعاریف خاصی برخوردار است از جمله آنکه:

۱. فضا مجموعه ای است از انسانها و فعالیتها و محیط اطراف آنها (اعم از طبیعی و مصنوعی) که با یکدیگر در تعاملند (شیرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۱).
۲. فضا مجموعه اجزاء و عوامل مربوط به محیط زندگی یک انسان (یا یک جامعه) اعم از محیط طبیعی، محیط انسان ساخت، محیط اقتصادی و اجتماعی را تشکیل میدهد و محدود به ابعاد فیزیکی خاص نبوده و عوامل غیر فیزیکی را نیز شامل می باشد. پس میتوانیم بگوئیم که فضا، مجموعه کالبد و محتوا است (صرافی، ۱۳۷۹، ص ۹۱).

¹ Place

۲- محیط تحت تأثیر انسان (اکيومن)

³ Fred Korschiffer

⁴ J. Beard

۳. در فرهنگ انگلیسی آکسفورد در حدود ۲۰ معنی برای کلمه فضا^۱ ذکر شده است از جمله اینکه «فضا گستره‌ای پیوسته است که در آن، اشیاء مورد نظر واقع شده‌اند» و «فضا بخشی از یک منطقه است که محتوای آن توسط اجزای خاص مورد نظر اشغال شده است» (شیرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۰).

دست آخر اینکه جا دارد که این مطلب معروف مورد اشاره در بیست و هفتمین کنگره بین المللی جغرافیا- آمریکا^۲ مورد تأکید قرار گیرد که: «جغرافیا علم فضا و مکان است. موضوع آن پدیده‌های طبیعی و انسانی است که محیط‌ها و مکانهای جهان را به وجود می‌آورد. جغرافی‌دانانها تغییراتی را که در الگوی مکان‌ها مشاهده می‌کنند از طریق کلمات یا نقشه‌ها توصیف و نحوه به وجود آمدن الگوی مربوطه را تبیین می‌کنند و سعی می‌کنند که مفاهیم نهائی را کشف کنند. به هر حال مسأله اصلی که جغرافی‌دانان با آن پیوسته مواجهند؛ درک ظواهر طبیعی و فرهنگی مکان‌ها و بستر آنها در سطح زمین است (گنجی، ۱۳۷۲، ص ۸) تا به عدم تعادل محیطی وحل آن برسند.

-تقسیمات کشوری و پراکنش جمعیت در سطح سرزمین

اساساً موضوع آمایش سرزمین مشتمل بر آمایش اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... گستره جغرافیایی هر کشور بر اساس جمعیت است؛ و از این میان در مبحث ترسیم سازمانی فضای جغرافیایی، بحث تقسیمات کشوری مطرح میشود که با توجه به تأثیر عوامل سیاسی مدخول و مرتبط، آن را تقسیمات سیاسی فضا می‌نامیم. به تعبیر دیگر امر سازمان سیاسی فضای جغرافیایی (یا همان تقسیمات کشوری) یک بخش زیرمجموعه از میان زیرمجموعه‌های متعدد مبحث آمایش سرزمین است^۳. و علت دیگر نیز آن است که طرح آمایش سرزمین یکی از انواع بسیار مهم و اصولی برنامه ریزیهای فضائی است (شیرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۹).

در ابتدای این موضوع، اصولاً در رابطه با پراکنش جمعیت و مباحث مرتبط، چهار نظریه مهم جمعیتی وجود دارد که عبارتند از:

۱) نظریه طرفداری از افزایش جمعیت (پوپولاسیونالیست‌ها یا پروناتالیست‌ها): از بزرگان این نظریه می‌توان به ماکیاول ایتالیائی، ویلیام تمپل^۴ انگلیسی و ژان بودن^۵ فرانسوی اشاره نمود.

۲) نظریه مخالفت با افزایش جمعیت (آنتی ناتالیست‌ها): رابرت مالتوس^۶؛ کشیش انگلیسی دو قرن پیش (۱۸۳۴-۱۷۶۶)) را می‌توان سرآمد معتقدان به این نظریه دانست. از دیگر معتقدان این نظریه میتوان به شاتو بریان فرانسوی، خوزه کاسترو برزیلی و دکتر وگت امریکائی اشاره نمود.

۳) نظریه جمعیت ثابت (استاسیونالیست‌ها): این نظریه با تاسی از اندیشه «اعتدال» سقراط حکیم صورت گرفته و ارسطو و برخی اندیشمندان بزرگ دیگر نیز از طرفداران آن بوده اند. از متأخران حامی این نظریه نیز میتوان به استوارت میل^۱ و هربرت اسپنسر^۲ انگلیسی اشاره نمود.

¹ Space

² International Congress of Geography- 1992. Seattle- U.S.A 27th

۱- مصاحبه آقای دکتر کرمی - از متصدیان دفتر تقسیمات کشوری وزارت کشور- ۱۳۸۸/۴/۲۳ (آزمون دلفی)

2-W. Temple

3-J. Boodain

4-Thomas Robert Malthus

۴) نظریه جمعیت مناسب (نورمالیست‌ها): این نظریه براساس تئوری معروف «مدینه فاضله» افلاطون حکیم، منشأ گرفته است. او تعداد نفوس مدینه فاضله را رقم ۵۰۴۰ نفر ذکر کرده بود، که این عدد مقسوم علیه‌های مشترک متعددی دارد و بدین ترتیب، محاسبات سازماندهی تقسیم زمین و وضع مالیات، ساده تر انجام می پذیرد. محققین و اندیشمندان دیگری همچون ژان ژاک روسو، کارل وینکل بلیچ^۳ آلمانی (قرن ۱۹)، ادوین کانان^۴ فرانسوی و آلفرد سوی^۵ نیز از طرفداران این نظریه به حساب می آیند (قاضی زاده، ۱۳۷۹، صص ۱۲-۱۳).

اصولاً هنگام بحث از جمعیت و رشد آن و بیان آمارهای حیاتی که هر برنامه‌ای بر آن استوار است، مسائل متعددی وجود دارد. یکی از مهمترین این مسائل، توزیع ناعادلانه منابع سطح الارضی بین جمعیت جوامع است. به این مفهوم که جمعیت ساکن در هر منطقه و محدوده خاص، برای تغذیه و تأمین نیازهای اساسی مربوطه خود نیاز به فضای جغرافیایی همراه با آب و خاک مناسب و جوابگو دارد (رحمانی، ۱۳۷۲، ص ۱). در همین رابطه ابن خلدون (جغرافیدان بزرگ تونس قرن ۸ هجری) در رابطه با نقش انتظام جمعیت در سرزمین معتقد است که اصولاً هستی و بنیان اجتماع به کار و کارمایه انسانها بستگی دارد و لهذا این نهاد با عدد جمعیت و فعالیت‌های انسانی پیوند غیر قابل اغماض دارد (جمشیدیها، ۱۳۸۳، ص ۱۴). در این راستا آگوست کنته^۶ نیز موضوع تراکم جمعیت مناطق (اعم از تراکم بالا یا تراکم پایین) را یکی از کلیدی ترین عوامل مؤثر بر پیشرفت اجتماعی و فرهنگی و حتی علمی جوامع میدانند (افروغ، ۱۳۷۷، ص ۲۹)، و دورکیم تحولات تراکم جمعیت را عامل تعیین کننده در تراکم خواستهای مادی و حتی در تراکم تنوع و منویات اخلاقی جوامع میدانند و در نتیجه جامعه و دولت را در مقولاتی همچون تنوع مبارزات و رقابت‌های اقتصادی، تقسیم کار و حتی همبستگیها و رفتارهای اجتماعی - ارگانیکی درگیر می داند (همان).

به هر حال در مبحث نقش پراکنش جمعیت در زندگی اجتماعی - اقتصادی انسانها اینچنین میتوان اظهار نمود که جمعیت شناسان و جامعه‌شناسان متفقاً بر این عقیده اند که روابط متعادل، متناسب و متقابل می بایست بین جمعیت و جوامع بشری از یک سو و محیط زیست در معرض حضور این جمعیتها از سوی دیگر وجود داشته باشد. در غیر این صورت سلامت و سعادت طبیعی، اجتماعی، اقتصادی و حتی اکولوژیکی (زیست محیطی) جمعیتها در محیطهایی که در آنها زندگی میکنند به مخاطره خواهد افتاد (مهدوی، ۱۳۸۶، صص ۵۱-۵۰). و جان ای کلارک^۷ این چنین عقیده دارد که نقشه پراکنندگی جمعیت‌های انسانی همواره در حال تغییر است و علاوه بر این، علت و معلول این تغییرات نیز در زمانها و مکانهای مختلفی تفاوت داشته و مطالعات و تحقیقات مختلفی را لازم دارد. لیکن اینجا این نکته وضوحاً قابل توجه است که بشر به هر صورت و در هر جا که باشد تا حدودی کنترل خود را بر محیط پیرامونش اعمال میدارد (مهدوی، ۱۳۸۶، ص ۳۹). و می توان گفت که: مهمترین عامل تأثیرگذار بر حدوث و تکمیل

5-Stuart Mill
6-Herbert Spencer
1-K. Winkel Blich
2-E. Cananne
3-A. Survey
4-August Conte
5-J. I. Clark

فرآیند توسعه کالبدی، ساختار محیطی است که منظور از آن مجموعه عواملی است که در یک فضای جغرافیایی خاص، امکان بهره‌وری مناسب و بهینه را برای بهره‌وران مربوطه میسر می‌سازد (سرور، ۱۳۸۵، ص ۲۷).

تبیین موضوع

در دیدگاه تعریفی اصولاً اهم معیارهایی که وجه عادی اساس ناحیه‌بندی سیاسی درون کشوری را تشکیل می‌دهند را میتوان به شرح ذیل خلاصه نمود (کریمی پور، ۱۳۸۱، صص ۱۲ و ۱۳).

۱) شاخص جمعیت: این شاخص اصل تشکیل واحد خاص سیاسی یا ارتقاء واحد سیاسی موجود به مرتبه بالاتر را در گروه دستیابی ناحیه مورد نظر به یک حد و سقف مشخص جمعیتی میداند. این اصل در حال حاضر در ایران ما رایج است.

۲) شاخص فاصله و روابط فاصله‌ای: این شاخص مشخصاً در برگیرنده اصل ملاک فاصله و به تبع آن گستره فضا در سطح سرزمین است. این اصل جهت سهولت دسترسی مناطق واجد جمعیت و افراد ساکن در آنها به مراکز سیاسی - اداری مربوطه در نظر گرفته شده است. در این زمینه اصل توجه به دسترسی مناسب به مراکز ارائه تسهیلات و خدمات در نقاط مختلف کشور یکی از مهمترین عوامل تقویت مبانی علمی منطقه بندی سرزمین برای ما مطرح شده است (احمدی پور، ۱۳۸۰، ص ۱۱).

۳) همگنی طبیعی: این اصل یکی از اصول و شاخصهای پایه ای است که در طراحی گستره های تقسیماتی و توجیه وضعیت تحدید این گستره ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۴) همگنی اجتماعی و فرهنگی: همچون اصل همگنی طبیعی یکی از اصول و شاخصهای مهم و پایه‌ای است که در طراحی گستره های تقسیماتی و توجیه وضعیت تحدید آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد. تفاوت‌های قومی، مذهبی، فرهنگی، علقه های تاریخی و غیره در این زمینه بعنوان اساس و اسباب تحدید مناطق مطرح می‌باشند.

۵) شیوه یا سبک معیشت: این اصل با توجه به تفاوت در کارکردهای فیزیکی و اقتصاد معیشتی مناطق بعنوان یکی از اساسهای ناحیه بندی سرزمین مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۶) حوزه نفوذ مکان‌های مرکزی: چنانچه برخی کانون‌های شهری تابع یک ناحیه سیاسی از لحاظ توان‌مندی‌ها و رسیدگی سرزمینی و برخی عوامل مربوطه دیگر از قابلیت‌ها و وزن ژئوپلیتیکی قابل ملاحظه ای برخوردار باشند و در این میان اصل کفایت فاصله از مراکز اطراف نیز دستاویز آنها قرار گیرد بعضاً خود را آنگونه می‌بینند که مطالبات شان برآورده نشده است. به همین منوال این اصل در مبادی و منابع مختلف و متعدد مورد استفاده و یا مورد ادعای تغییر در ترسیم واحدهای تقسیماتی قرار می‌گیرد.

۷) رقابت شهرهای متناظر در مرکزیت: در ادامه بند فوق مطرح میشود. مشخص است چنانچه در یک منطقه‌ای شهر خاصی به‌عنوان مرکز اداری و سیاسی منطقه در نظر گرفته است بعضاً یک، دو یا چند شهر در آن منطقه وجود دارند که شأنت خود را بیش از آن میدانند که مشمول تابعیت از این مرکز تعیین شده و به تعبیر دیگر واقع شدن در روابط مرکز - حاشیه ببینند. طبعاً جوابگویی مناسب به این ادعاها یکی از وجوه دغدغه های تقسیماتی و بلکه از دغدغه های مهم حاکمیتی است.

۸) ضرورت‌های ویژه امنیتی: این ضرورتها در ارتقاء واحدهای سیاسی بی تأثیر نیستند. ضرورت رسیدگی به مناطق دورتر و حاشیه ای تر لیکن حساس و گلوگاهی یا رسیدگی به برخی جزایر از این دسته است.

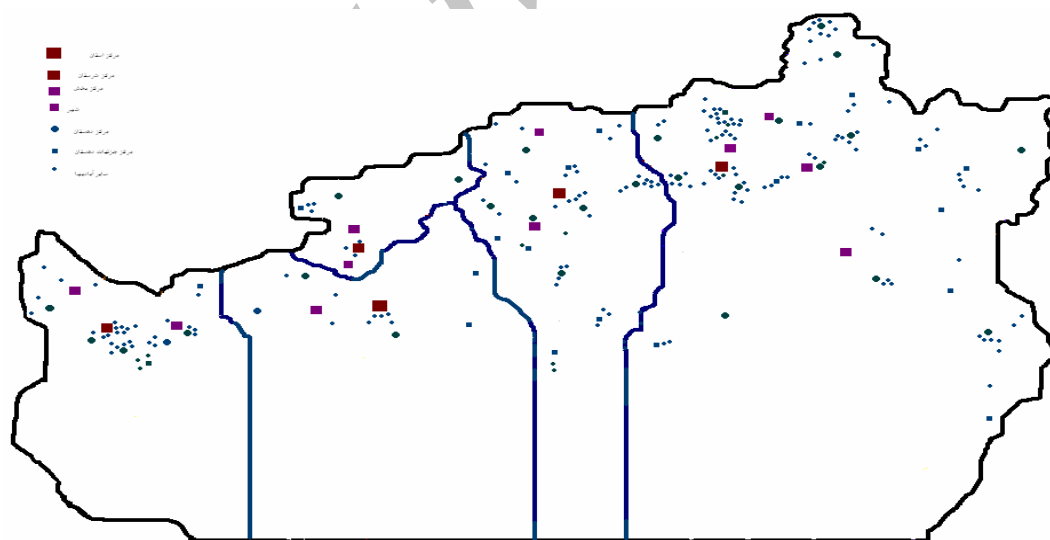
۹) تأمین نیازهای سرزمینی و تعادل در فرصت‌های مشابه: این امر که نگاه عدالت آمیز دارد می‌تواند هماهنگی، همکاری و همسویی تقاضای شهروندان و رهبران شان را آنگونه پیش برد که خواستار تکوین نواحی سیاسی در محیط زندگی خود با محیطهای مورد نظر یا ارتقاء واحدهای سیاسی مورد نظر شوند.

۱۰) اندیشه های استراتژیک دولت و حکومت: این شاخص که برخاسته از نظریات محیط استراتژیک سرزمینی است عملاً مهمترین شاخص برای ناحیه بندی سیاسی سرزمین محسوب شده و اهمیت آن بدان قدر است که می‌توان گفت نسبت به شاخص‌های دیگر مطرح در این مقوله از حق وتوی بارزی برخوردار می‌باشد.

ذکر این نکته لازم است که در ترسیم یک ناحیه یا منطقه سیاسی خاص معمولاً از مجموعه این شاخص‌ها به فراخور جایگاه و اهمیت هر یک از آنها استفاده می‌کنند و نهایتاً از مجموع حاصله برآیند می‌گیرند. ولهذا آن تقسیماتی کاملتر است که در تکوین و تعیین دقیق مرزها و محدوده‌های آن توأمان از همه این شاخص‌ها استفاده شود. با این حال معمولاً یکی از شاخص‌ها را بعنوان شاخص پایه در نظر گرفته و سایر شاخص‌ها را به محوریت این شاخص پایه مورد استفاده قرار می‌دهند (حافظ نیا، ۱۳۸۱، صص ۳۸۶-۳۸۱).

به هرروی اصولاً مدل مفهومی این مقاله بصورت ذیل مورد تاکید است:

- انفکاک و تقسیم بندی بر اساس حوزه نفوذ شهرها که منطبق با معادله فاصله و آبادیها است



نقشه پراکنش شهرها و آبادیهای مهم استان

منبع: نگارندگان

وضعیت میزان جمعیت در گستره ها

ردیف	نام منطقه	جمعیت کل	جمعیت شهر	نسبت به کل	جمعیت شهر و شعاع ده کیلومتری شهر	نسبت به کل	جمعیت سایر نقاط	نسبت به کل
شهرستان شاهرود								
	حیطه نفوذ شهر بسطام	۲۳,۰۴۴	۷,۷۳۵	۳۳/۵۶۶	۹,۷۳۳	۴۲/۲۳۷	۱۳,۳۱۱	۶۷/۷۶۳
	حیطه نفوذ شهر مجن	۵,۹۵۷	۵,۵۲۶	۹۲/۷۶۵	۵,۵۴۴	۹۳/۰۶۷	۴۱۳	۶/۹۳۳
	حیطه نفوذ شهر کلاته خیج	۸,۳۱۲	۵,۳۴۵	۶۴/۳۰۵	۶,۹۴۲	۸۳/۵۱۸	۱,۳۷۰	۱۶/۴۸۲
	حیطه نفوذ شهر شاهرود	۱۴۴,۱۷۱	۱۳۱,۷۶۷	۹۱/۳۹۶	۱۴۱,۰۶۰	۹۷/۸۴۲	۳,۱۱۱	۲/۱۵۸
	حیطه نفوذ شهر میامی	۳۱,۸۹۵	۴,۳۸۵	۱۳/۷۴۸	۷,۹۴۳	۲۴/۹۰۴	۲۳,۵۹۲	۷۵/۰۹۶
	حیطه نفوذ شهر بیارجمند	۸,۱۳۵	۲,۴۹۷	۳۰/۶۹۵	۲,۵۰۴	۳۰/۷۸۱	۵,۹۳۱	۶۹/۲۱۹
	کل شهرستان	۲۲۱,۵۱۴	۱۵۷,۲۵۵	۷۰/۹۹۱	۱۷۳,۷۲۶	۷۸/۴۲۷	۴۷,۷۲۸	۲۱/۵۷۳
شهرستان دامغان								
	حیطه نفوذ شهر امیرآباد	۹,۲۱۷	۱,۷۷۴	۱۹/۲۴۷	۲,۸۴۵	۳۰/۸۶۷	۶,۳۷۲	۶۹/۲۳۳
	حیطه نفوذ شهر دامغان	۶۷,۶۷۹	۵۹,۱۹۵	۸۷/۴۶۴	۶۳,۱۲۶	۹۳/۲۷۳	۴,۵۵۳	۶/۷۲۷
	حیطه نفوذ شهر دیباج	۷,۰۲۷	۲,۵۰۹	۳۵/۷۰۵	۲,۷۶۵	۳۹/۳۴۸	۴,۲۶۲	۶۰/۶۵۲
	کل شهرستان	۸۳,۹۲۳	۶۳,۴۷۸	۷۵/۶۳۸	۶۸,۷۳۶	۸۱/۹۰۴	۱۵,۱۸۷	۱۸/۰۹۶
شهرستان سمنان								
	حیطه نفوذ شهر سرخه	۱۳,۹۲۹	۹,۰۴۶	۶۴/۹۴۴	۹,۱۳۴	۶۵/۵۷۵	۴,۷۹۵	۳۴/۴۲۵
	حیطه نفوذ شهر سمنان	۱۳۲,۳۰۰	۱۲۵,۴۹۱	۹۴/۸۵۳	۱۳۱,۴۷۰	۹۹/۲۷۳	۸۳۰	۰/۶۲۷
	کل شهرستان	۱۴۶,۲۲۹	۱۳۴,۵۳۷	۹۲/۰۰۴	۱۴۰,۶۰۴	۹۶/۱۵۳	۵,۶۲۵	۳/۸۴۷
شهرستان مهدیشهر								
	حیطه نفوذ شهر شهمیرزاد	۱۱,۲۰۸	۷,۴۳۴	۶۶/۳۲۸	۷,۵۱۷	۶۷/۰۶۸	۳,۶۹۱	۳۲/۹۳۲
	حیطه نفوذ شهر مهدیشهر	۲۲,۵۴۶	۲۰,۹۸۴	۹۳/۰۷۲	۲۲,۵۴۶	۱۰۰/۰۰	۰	۰
	حیطه نفوذ شهر درجزین	۴,۳۹۷	۴,۳۷۰	۹۹/۳۸۶	۴,۳۸۷	۹۹/۷۷۳	۱۰	۰/۲۲۷
	کل شهرستان	۳۸,۱۵۱	۳۲,۷۸۸	۸۵/۹۴۳	۳۴,۴۵۰	۹۰/۲۹۹	۳,۷۰۱	۹/۷۰۱
شهرستان گرمسار								
	حیطه نفوذ شهر آرادان	۱۵,۵۲۰	۵,۰۸۱	۳۲/۷۳۸	۱۵,۱۹۴	۹۷/۹۰۰	۳۲۶	۲/۱۰۰
	حیطه نفوذ شهر گرمسار	۵۰,۲۴۴	۳۹,۷۵۴	۷۹/۱۲۲	۴۹,۶۷۸	۹۸/۸۷۴	۵۶۶	۱/۱۲۶
	حیطه نفوذ شهر ایوانکی	۱۲,۲۹۱	۱۰,۴۱۹	۸۴/۷۶۹	۱۱,۴۹۰	۹۳/۴۸۳	۸۰۱	۶/۵۱۷
	کل شهرستان	۷۸,۰۵۵	۵۵,۲۵۴	۷۰/۷۸۹	۷۶,۳۶۲	۹۷/۸۳۱	۱,۶۹۳	۲/۱۶۹
	کل استان	۵۶۷,۸۷۲	۴۴۳,۳۱۲	۷۸/۰۶۵	۴۹۳,۸۷۸	۸۶/۹۸۰	۷۳,۹۳۴	۱۳/۰۲۰

منبع: نگارندگان

و اکنون حیطه نفوذ هر شهر به ترتیب ذیل به سه قسمت تقسیم میشود. به تعبیر دیگر اساساً در مندرجات این مبحث، وسعت اراضی استان به سه حالت تقسیم شده به شرح ذیل است:

۱. حریم داخلی شهرها
۲. مناطقی از اطراف این شهرها که با حریم این شهرها فقط ده کیلومتر و کمتر از ده کیلومتر فاصله دارند (نهایتاً ده کیلومتر)؛ و همچنین مجموعه آبادیها و مراکز جمعیتی واقع در این مناطق
۳. مناطقی از اطراف شهرهای استان که با حریم شهرها بیش از ده کیلومتر فاصله دارند؛ و مجموعه آبادیها و مراکز واقع در این مناطق

توضیح اینکه اعداد و ارقام جمعیتی هر یک از این مناطق با توجه به آمار و اطلاعات در دسترس و روشهایی که در این زمینه استفاده شده است به دست آمده است.
رتبه بندی مناطق بر اساس درصد رشد جمعیت:

ردیف	نام منطقه	نرخ رشد جمعیت	ردیف	نام منطقه	نرخ رشد جمعیت
۱	شهر گرمسار	+۴/۹۶۸	۲	شهر شاهرود	+۴/۱۷۴
۳	شهر دامغان	+۳/۸۶۰	۴	شهر درجزین	+۳/۲۳۴
۵	شهر سمنان	+۲/۹۷۱	۶	شهر ایوانکی	+۲/۳۹۸
۷	شهر شهمیرزاد	+۱/۹۹۲	۸	شهر مجن	+۱/۹۷۱
۹	شهر میامی	+۱/۹۲۳	۱۰	شهر بسطام	+۱/۷۲۱
۱۱	شهر مهدیشهر	+۱/۶۸۳	۱۲	شهر سرخه	+۱/۵۸۷
۱۳	شهر دیباج	+۱/۵۸۱	۱۴	شهر کلاته خیج	+۱/۵۴۷
۱۵	شهر آرادان	+۱/۵۱۱	۱۶	اطراف شهر شاهرود (شعاع ده کیلومتری)	+۱/۱۶۶
۱۷	شهر امیرآباد	+۱/۰۸۳	۱۸	اطراف شهر میامی (شعاع ده کیلومتری)	+۱/۰۶۷
۱۹	اطراف شهر سمنان (شعاع ده کیلومتری)	+۰/۸۹۲	۲۰	حوزه نفوذ شهر دیباج و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	+۰/۸۲۸
۲۱	حوزه نفوذ شهر میامی و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	+۰/۶۸۲	۲۲	شهر بیارجمند	+۰/۳۸۱
۲۳	حوزه نفوذ شهر بسطام و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	+۰/۳۶۹	۲۴	اطراف شهر مهدیشهر (شعاع ده کیلومتری)	+۰/۲۹۶
۲۵	اطراف شهر بسطام (شعاع ده کیلومتری)	+۰/۰۳۵	۲۶	اطراف شهر کلاته خیج (شعاع ده کیلومتری)	+۰/۰۱۶
۲۷	حوزه نفوذ شهر مهدیشهر و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	۰/۰۰۰	۲۸	حوزه نفوذ شهر درجزین و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	۰/۰۰۰
۲۹	اطراف شهر آرادان (شعاع ده کیلومتری)	-۰/۰۳۶	۳۰	حوزه نفوذ شهر بیارجمند و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	-۰/۰۶۵
۳۱	حوزه نفوذ شهر ایوانکی و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	-۰/۲۱۷	۳۲	اطراف شهر دیباج (شعاع ده کیلومتری)	-۰/۲۹۰
۳۳	اطراف شهر ایوانکی (شعاع ده کیلومتری)	-۰/۳۵۹	۳۴	حوزه نفوذ شهر دامغان و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	-۰/۴۳۲
۳۵	حوزه نفوذ شهر سرخه و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	-۰/۴۳۹	۳۶	حوزه نفوذ شهر کلاته خیج و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	-۰/۵۸۵
۳۷	اطراف شهر گرمسار (شعاع ده کیلومتری)	-۰/۷۶۹	۳۸	حوزه نفوذ شهر شهمیرزاد و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	-۰/۸۱۰
۳۸	حوزه نفوذ شهر شاهرود و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	-۱/۰۷۰	۴۰	حوزه نفوذ شهر امیرآباد و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	-۱/۲۶۱
۴۱	اطراف شهر امیرآباد (شعاع ده کیلومتری)	-۱/۶۶۳	۴۲	حوزه نفوذ شهر مجن و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	-۱/۸۰۷
۴۳	حوزه نفوذ شهر سمنان و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	-۲/۴۴۷	۴۴	اطراف شهر شهمیرزاد (شعاع ده کیلومتری)	-۲/۵۶۹
۴۵	حوزه نفوذ شهر گرمسار و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	-۲/۶۱۱	۴۶	حوزه نفوذ شهر آرادان و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	-۲/۶۶۸
۴۷	اطراف شهر دامغان (شعاع ده کیلومتری)	-۲/۸۰۱	۴۸	اطراف شهر سرخه (شعاع ده کیلومتری)	-۳/۰۰۲
۴۹	اطراف شهر درجزین (شعاع ده کیلومتری)	-۳/۲۵۷	۵۰	اطراف شهر مجن (شعاع ده کیلومتری)	-۴/۲۷۶
۵۱	اطراف شهر بیارجمند (شعاع ده کیلومتری)	-۷/۱۷۱			

منبع: نگارندگان

رتبه بندی مناطق بر اساس تراکم جمعیت:

ردیف	نام منطقه	نفر در کیلومتر مربع	ردیف	نام منطقه	نفر در کیلومتر مربع
۱	شهر سمنان	۵۶۳۴/۹۸۰	۲	شهر شاهرود	۵۰۰۲/۵۴۴
۳	شهر دامغان	۴۳۵۸/۹۸۴	۴	شهر درجزین	۳۹۷۲/۷۲۷
۵	شهر مجن	۳۸۱۱/۰۳۴	۶	شهر سرخه	۳۵۸۹/۶۸۳
۷	شهر بسطام	۳۵۴۸/۱۶۵	۸	شهر گرمسار	۳۴۳۰/۰۲۶
۹	شهر ایوانکی	۳۲۹۷/۱۵۲	۱۰	شهر مهدیشهر	۳۲۶۸/۲۲۴
۱۱	شهر کلاته خیج	۲۳۸۶/۱۶۱	۱۲	شهر دیباج	۱۷۹۲/۱۴۳
۱۳	شهر امیرآباد	۱۶۸۹/۵۲۴	۱۴	شهر میامی	۱۴۵۶/۸۱۱
۱۵	شهر بیارجمند	۱۳۴۹/۷۳۰	۱۶	شهر شه میرزاد	۱۰۳۶/۸۲۰
۱۷	شهر آرادان	۶۳۳/۵۴۱	۱۸	اطراف شهر آرادان (شعاع ده کیلومتری)	۱۰۱/۱۳۰
۱۹	اطراف شهر گرمسار (شعاع ده کیلومتری)	۹۹/۲۴۰	۲۰	اطراف شهر شاهرود (شعاع ده کیلومتری)	۹۲/۹۳۰
۲۱	اطراف شهر سمنان (شعاع ده کیلومتری)	۵۹/۷۹۰	۲۲	اطراف شهر دامغان (شعاع ده کیلومتری)	۳۹/۳۱۰
۲۳	اطراف شهر میامی (شعاع ده کیلومتری)	۳۵/۵۸۰	۲۴	اطراف شهر بسطام (شعاع ده کیلومتری)	۱۹/۹۸۰
۲۵	اطراف شهر کلاته خیج (شعاع ده کیلومتری)	۱۵/۹۷۰	۲۶	اطراف شهر مهدیشهر (شعاع ده کیلومتری)	۱۵/۶۴۰
۲۷	حوزه نفوذ شهر بسطام و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	۱۳/۱۵۳	۲۸	اطراف شهر ایوانکی (شعاع ده کیلومتری)	۱۰/۷۱۱
۲۹	اطراف شهر امیرآباد (شعاع ده کیلومتری)	۱۰/۷۱۰	۳۰	حوزه نفوذ شهر دیباج و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	۳/۵۴۶
۳۱	حوزه نفوذ شهر میامی و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	۲/۹۱۱	۳۲	اطراف شهر دیباج (شعاع ده کیلومتری)	۲/۵۶۰
۳۳	حوزه نفوذ شهر شه میرزاد و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	۲/۵۳۲	۳۴	حوزه نفوذ شهر دامغان و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	۱/۹۶۲
۳۵	حوزه نفوذ شهر ایوانکی و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	۱/۰۹۹	۳۶	حوزه نفوذ شهر مجن و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	۱/۰۲۷
۳۷	حوزه نفوذ شهر کلاته خیج و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	۰/۹۳۱	۳۸	اطراف شهر سرخه (شعاع ده کیلومتری)	۰/۸۸۰
۳۸	اطراف شهر شه میرزاد (شعاع ده کیلومتری)	۰/۸۳۰	۴۰	حوزه نفوذ شهر امیرآباد و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	۰/۶۲۴
۴۱	حوزه نفوذ شهر سرخه و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	۰/۵۲۵	۴۲	حوزه نفوذ شهر بیارجمند و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	۰/۳۱۷
۴۳	اطراف شهر مجن (شعاع ده کیلومتری)	۰/۱۸۰	۴۴	اطراف شهر درجزین (شعاع ده کیلومتری)	۰/۱۷۰
۴۵	حوزه نفوذ شهر شاهرود و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	۰/۱۴۵	۴۶	حوزه نفوذ شهر گرمسار و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	۰/۱۳۳
۴۷	حوزه نفوذ شهر درجزین و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	۰/۰۹۹	۴۸	حوزه نفوذ شهر آرادان و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	۰/۰۷۷
۴۹	حوزه نفوذ شهر سمنان و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	۰/۰۷۶	۵۰	اطراف شهر بیارجمند (شعاع ده کیلومتری)	۰/۰۷۰
۵۱	حوزه نفوذ شهر مهدیشهر و بیرون از شعاع ده کیلومتری آن	۰/۰۰۰			

منبع: نگارندگان

رتبه بندی مناطق بر اساس ماندگاری آبادیها:

ردیف	نام منطقه	مابده در سال ۸۵	تعداد آبادیهای حوزه	درصد	رتبه	نام منطقه	مابده در سال ۸۵	تعداد آبادیهای حوزه	درصد
۱	اطراف شهر مهدیشهر (شعاع ده کیلومتری)	۶	۶	۱۰۰/۰۰	۲	اطراف شهر مجن (شعاع ده کیلومتری)	۲	۲	۱۰۰/۰۰
۳	حوزه نفوذ شهر درجزین و بیش از شعاع ده کیلومتری آن	۱	۱	۱۰۰/۰۰	۴	حوزه نفوذ شهر ایوانکی و بیش از شعاع ده کیلومتری آن	۸	۸	۱۰۰/۰۰
۵	اطراف شهر شاهرود (شعاع ده کیلومتری)	۱۴	۱۶	۸۷/۵۰	۶	حوزه نفوذ شهر مجن و بیش از شعاع ده کیلومتری آن	۶	۷	۸۵/۷۱
۷	اطراف شهر بسطام (شعاع ده کیلومتری)	۱۱	۱۳	۸۵/۰۰	۸	حوزه نفوذ شهر بسطام و بیش از شعاع ده کیلومتری آن	۱۹	۲۳	۸۲/۶۱
۹	حوزه نفوذ شهر کلاتخیج و بیش از شعاع ده کیلومتری آن	۴	۵	۸۰/۰۰	۱	حوزه نفوذ شهر بیارجمند و بیش از شعاع ده کیلومتری آن	۴۳	۵۴	۷۹/۶۳
۱۱	حوزه نفوذ شهر سرخه و بیش از شعاع ده کیلومتری آن	۲۲	۲۸	۷۸/۵۷	۱	اطراف شهر دامغان (شعاع ده کیلومتری)	۱۹	۲۵	۷۶/۰۰
۱۳	اطراف شهر گرمسار (شعاع ده کیلومتری)	۴۷	۶۲	۷۵/۸۱	۱	اطراف شهر آزادان (شعاع ده کیلومتری)	۳۰	۳۹	۷۶/۹۲
۱۵	اطراف شهر سمنان (شعاع ده کیلومتری)	۱۲	۱۶	۷۵/۰۰	۱	اطراف شهر ایوانکی (شعاع ده کیلومتری)	۱۲	۱۶	۷۵/۰۰
۱۷	اطراف شهر شه میرزاد (شعاع ده کیلومتری)	۳	۴	۷۵/۰۰	۱	حوزه نفوذ شهر شه میرزاد و بیش از شعاع ده کیلومتری آن	۳۶	۵۲	۶۹/۲۳
۱۹	حوزه نفوذ شهر امیرآباد و بیش از شعاع ده کیلومتری آن	۵۷	۹۰	۶۳/۳۳	۲	اطراف شهر امیرآباد (شعاع ده کیلومتری)	۱۲	۱۳	۶۲/۳۱
۲۱	حوزه نفوذ شهر میامی و بیش از شعاع ده کیلومتری آن	۵۷	۹۲	۶۱/۹۶	۲	حوزه نفوذ شهر شاهرود و بیش از شعاع ده کیلومتری آن	۳۴	۵۶	۶۰/۷۱
۲۳	اطراف شهر کلاته خیج (شعاع ده کیلومتری)	۳	۵	۶۰/۰۰	۲	اطراف شهر سرخه (شعاع ده کیلومتری)	۳	۵	۶۰/۰۰
۲۵	حوزه نفوذ شهر آزادان و بیش از شعاع ده کیلومتری آن	۹	۱۵	۶۰/۰۰	۲	حوزه نفوذ شهر سمنان و بیش از شعاع ده کیلومتری آن	۳۷	۶۴	۵۷/۸۱
۲۷	اطراف شهر مهدیشهر (شعاع ده کیلومتری)	۴	۷	۵۷/۱۴	۲	اطراف شهر درجزین (شعاع ده کیلومتری)	۲	۴	۵۰/۰۰
۲۹	حوزه نفوذ شهر دیباج و بیش از شعاع ده کیلومتری آن	۱۷	۳۲	۵۳/۱۳	۳	اطراف شهر میامی (شعاع ده کیلومتری)	۵	۱۱	۴۵/۴۵
۳۱	حوزه نفوذ شهر دامغان و بیش از شعاع ده کیلومتری آن	۱۴	۳۲	۴۳/۷۵	۳	اطراف شهر بیارجمند (شعاع ده کیلومتری)	۱	۳	۳۳/۳۳
۳۳	حوزه نفوذ شهر گرمسار و بیش از شعاع ده کیلومتری آن	۶	۱۸	۳۳/۳۳	۳	اطراف شهر دیباج (شعاع ده کیلومتری)	۱	۵	۲۰/۰۰
۳۵	حوزه نفوذ شهر سنگسر و بیش از شعاع ده کیلومتری آن	۰	۰	۰/۰۰	۳				

منبع: نگارندگان

ارزیابی و نتیجه گیری

فرضیه اول: تاکنون در شکل بندی فضای جغرافیایی گستره استان، تابعیت از تقیدات تقسیماتی موجود و غفلت از مبانی و منویات اصول توسعه پایدار به نوبه خود در ناهمگونی و اختلال در تعادل جمعیت مؤثر بوده است.

فرضیه دوم: در تصمیمات تقسیماتی درون استان، تأکید و ابتناء بیشتر بر وسعت و چگونگی پراکنش ظرفیتهای سرزمینی و تعیین و تقویت مراکز تقسیماتی اقماری بر اساس تسهیل دسترسی ها و تأمین نیازهای روزمره اهالی نواحی، در تعادل و تنظیم جمعیت گستره استان مؤثر خواهد بود.

حال با توجه فرضیات این مقاله می توان بیان داشت:

جداول مربوط به حوزه نفوذ شهرها و شعاع ده کیلومتری شهرهای استان نشانگر آن است که لااقل سه چهارم جمعیت این استان در مناطق شهری و نواحی اطراف آنها اسکان یافته اند؛ به طوریکه شهرهای سمنان، دامغان، شاهرود، مهدشهر و گرمسار به تنهایی حدود دو سوم کل جمعیت استان را در خود جای داده اند و با احتساب جمعیت دوازده شهر دیگر استان این رقم به بیش از سه چهارم جمعیت استان میرسد (۷۸/۰۶۵ درصد). و همچنین این شهرها با احتساب نواحی حومه (شعاع ده کیلومتری شهرها) این شهرها حدود ۸۷ درصد کل جمعیت استان (دقیقاً ۸۶/۹۸۰ درصد) را به خود اختصاص داده اند. بدین ترتیب جمعیت نواحی روستائی واقع در شعاع ده کیلومتری شهرها معادل رقم ۸/۹۱۵ درصد از کل جمعیت استان به دست می آید. لهذا آنچه که بیرون از شعاع ده کیلومتری شهرها استقرار یافته اند فقط حدود ۱۳ درصد (دقیقاً ۱۳/۰۲۰ درصد) از کل جمعیت استان را تشکیل میدهند.

جداول مربوط به قطعه بندی دهستانها نیز نشانگر آن است که مناطقی که کمتر در معرض تخلیه قرار گرفته اند غالباً یا از محیط اقلیمی شمالی (شمال ارتفاعات البرز) برخوردارند و یا اینکه در حوالی شهرها قرار دارند؛ و مناطقی که بیشتر در معرض تخلیه قرار گرفته اند نیز غالباً در فواصل دور از شهرها قرار گرفته اند. کما اینکه:

الف- در شهرستان شاهرود: کمترین میزان تخلیه جمعیت اولاً در منطقه کالپوش (رضوان و نردین کالپوش) بوده که از محیط اقلیمی شمال کشور برخوردار است؛ و ثانیاً در حاشیه دو شهر شاهرود و میامی بیشتر اتفاق افتاده است. بیشترین میزان تخلیه و گسیختگی جمعیت نیز در مناطق دوردستی همچون رزوه طرود و صحاری بیارجمند اتفاق افتاده است.

ب- در شهرستان دامغان کمترین میزان تخلیه جمعیت در منطقه کلاته چهارده بوده که از محیط اقلیمی شمال کشور برخوردار است؛ و سپس دو منطقه کوهزر و طزره که با توجه به ساختار معدنی از جمعیت مناسبی برخوردار بوده اند، و سپس حاشیه شمالشرقی و شرقی شهر دامغان (منطقه جن و طالو) است که در مجاورت شهر دامغان بوده است. این درحالیست که بیشترین میزان تخلیه جمعیت نیز در مناطقی همچون ربع شمالی دهستان قهاب رستاق و نیمه جنوبی دهستان تویه دروار به وقوع پیوسته است.

ج- در شهرستان سمنان کمترین میزان تخلیه جمعیت مشخصاً در مناطقی همچون حاشیه شهر سمنان، علاء و افتر به وقوع پیوسته و در مقابل مناطق دوردستی همچون آهوان و دوزهیر از بیشترین میزان تخلیه جمعیت برخوردار بوده اند.

د- در شهرستان مهدیشهر (سنگسر) نیز کمترین میزان تخلیه جمعیت علاوه بر منطقه خطیرکوه که جزو حوضه شمال کشور محسوب میشود، در مجاورت دو شهر شه میرزاد و مهدیشهر اتفاق افتاده است. مناطق دوردستی همچون پرور و فینسک و ده صوفیان و سراور از بیشترین مقدار تخلیه جمعیت برخوردار بوده اند. و نهایتاً در شهرستان گرمسار بیشترین میزان ماندگاری جمعیت (کمترین میزان تخلیه جمعیت) در داخل و حاشیه دو شهر گرمسار و آرادان اتفاق افتاده است. بیشترین میزان تخلیه جمعیت نیز در مناطق نسبتاً دوردست واقع در پایبندست دشت گرمسار (مناطق همچون ساروزن، سنرد و جنوب دشتهای یاطری) اتفاق افتاده است. به هر روی با تکیه بر موارد فوق، نتیجه مباحث این مقاله در محورهای ذیل ارائه می شود.

۱- تراکم

همانگونه که در جداول پیشین ذکر شده است، بیشترین میزان تراکم جمعیت در این استان بر این اساس، در حیطه حریم شهرها وجود دارد. یعنی از بین ۵۱ منطقه تفکیکی مربوطه، ۱۷ شهر استان رتبات اول تا هفدهم را دارند. بعد از آن، مناطق واقع در شعاع ده کیلومتری شهرها در جایگاه بعدی قرار دارند.

۲- درصد رشد

بر اساس جداول غالب درصد رشد مناطق مختلف این استان در رتبه اول مربوط به داخل حریم شهرها و در رتبه دوم مربوط به سکونتگاههای داخل شعاع ده کیلومتری شهرها است و سکونتگاههای بیرون از شعاع ده کیلومتری شهرها در غالب موارد درجات آخر رشد را به خود اختصاص داده اند.

همچنین بر اساس جداول، با توجه به موارد تفکیک دهستانها نیز مشاهده می شود که درصد رشد در قطعات اطراف شهرها و همچنین برخی قطعات دیگر (مناطق همچون رضوان کالپوش و کوهزر دامغان)، بالا است. در سایر موارد درصد رشد نواحی و قطعات تفکیکی پایین و بسیار پایین بوده به طوری که در برخی موارد همچون حاشیه بیابانهای مرکزی، به حد قهقرائی رسیده اند.

۳- ماندگاری آبادیها:

اصولاً ماندگاری آبادیها در این استان نیز تا حد زیادی وابسته به نزدیکی به شهرها است. چه اینکه ماندگاری آبادیها مخصوص به نواحی واقع در شعاع ده کیلومتری شهرها است، در مقابل آن آخرین رتبه و همچنین غالب رتبات مربوط به نواحی بیرون از شعاع ده کیلومتری شهرها است.

با توجه به وضعیت تقسیمات موجود کشوری این استان، شکل گیری لکه های سکونتگاهی گستره این استان بیش از آنکه از اصول توسعه پایدار تبعیت نموده باشد، از رویکردهای دیگر که همخوانی چندانی با اصول توسعه پایدار نداشته اند تبعیت نموده است. بدین لحاظ در درون این استان موارد چشمگیری از ناهماهنگی در رابطه با عدم تناسب جمعیتی در مناطق مختلف استان به چشم می خورد که با توصیفات مندرج در این مقاله مورد تأیید قرار می گیرد.

پیشنهادات

الف- در خصوص حریم داخلی شهرها:

اصولاً وضعیت استقرار و تراکم جمعیت در شهرهای این استان، بالا است. در این خصوص شهرهای شاهرود، دامغان و درجزین از نرخ رشد بالائی برخوردار بوده اند و هم بیشترین حد تراکم جمعیت را در سطح استان داشته اند. و شهرهای سمنان و گرمسار را نیز میتوان به این مجموعه اضافه نمود. لذا برای این شهرها پیشنهاد میشود که سعی بر این باشد که هم نرخ رشد آنها و هم تراکم جمعیت در آنها تعدیل شود. شهرهای آرادان، امیرآباد و بیارجمند هم از لحاظ نرخ رشد و هم از لحاظ تراکم جمعیت تقریباً در پایین ترین سطح قرار دارند. برای این سه شهر میتوان نرخ رشد و تراکم جمعیت را افزایش داد. سایر شهرهای استان از وضعیت میانگین برخوردارند.

ب- در خصوص نواحی واقع در شعاع ده کیلومتری شهرها،

اطراف شهرهای شاهرود، میامی و سمنان از درصد رشد بالا و اطراف شهرهای آرادان، گرمسار و شاهرود از تراکم بالا برخوردارند. برای این مناطق باید سعی شود که رشد و حد تراکم جمعیت تا حدی تعدیل گردد. اطراف چهار شهر سرخه، درجزین، مجن و بیارجمند از درصد رشد و تراکم پایینی برخوردارند، که در این مناطق باید سعی شود درصد رشد و تراکم کنونی جمعیت افزایش یابد. در مورد اطراف سایر شهرها وضعیت تا حدی مطلوب است.

ج- در بحث نواحی بیرون از شعاع ده کیلومتری شهرها:

در این مورد حوزه نفوذ سه شهر میامی، آرادان و ایوانکی تا حدی از وضعیت مطلوب هم در درصد رشد و هم در تراکم جمعیت برخوردارند. حوزه نفوذ سایر شهرها وضعیت مناسبی نداشته و به لحاظ هر دو موضوع مطروحه نیازمند تقویت میباشند.

از مجموعه تحقیقات و مطالعاتی که در این مقاله تاکنون انجام گرفته است به این نتیجه میرسیم که محدوده های نزدیک به شهرهای بزرگ استان هم از نرخ رشد و هم از تراکم جمعیت بیشتری برخوردار بوده اند و هم تعداد آبادی های مستقر آنها کمتر کاهش داشته است. شهرهای میامی و آرادان را نیز می توان در این گروه جای داد. محدوده های اطراف سایر شهرهای کوچکتر و سایر محدوده ها (بجز چند مورد خاص) هم از نرخ رشد و هم از تراکم جمعیت کمتری برخوردار بوده اند و هم تعداد آبادی های مستقر آنها از روند کاهشی بیشتری برخوردار بوده است. لهذا باید سعی بر آن باشد که تمهیدات تقسیماتی مربوطه به گونه ای ترتیب داده شود تا حتی الامکان رویکرد به سوی تعادل داشته باشند. تا آنکه این استان بتواند در یک پیوند تکاملی با استانهای پیرامونی در چشم انداز بیست ساله نظام نقش آفرینی مطلوب خود را ایفا نماید.

منابع

- آمارنامه استان سمنان (۱۳۷۶). مرکز آمار ایران
اخباری- محمد (۱۳۸۴). فرآیند تصمیم گیری تقسیم استان خراسان و اثرات سیاسی - اجتماعی آن. تهران: دانشگاه امام حسین (ع)،
استان سمنان از نگاه آمار (۱۳۸۷). سمنان: معاونت برنامه ریزی استانداری سمنان

- استان سمنان در آئینه آمار (۱۳۸۷). سمنان: معاونت برنامه ریزی استانداری سمنان،
- افروغ- عماد (۱۳۷۷). فضا و جامعه؛ فضا و نابرابری اجتماعی «ارائه الگویی برای جدایی‌گزینی فضایی و پیامدهای آن» تهران: دانشگاه تربیت مدرس،
- پوراحمد، احمد (۱۳۸۵). قلمرو و فلسفه جغرافیا. تهران: انتشارات دانشگاه تهران،
- جمشیدیها، غلامرضا (۱۳۸۳). پژوهش درباره نقش و جایگاه انسان در تئوری توسعه اجتماعی ابن خلدون. تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران،
- جمعه پور، محمود (۱۳۸۵). مقدمه ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستائی؛ دیدگاه‌ها و روش‌ها. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)،
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران (جلد دوم). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)،
- سالنامه آماری استان سمنان (۱۳۸۷). سمنان: معاونت برنامه ریزی استانداری سمنان ،
- سرور، رحیم (۱۳۸۵). جغرافیای کاربردی و آمایش سرزمین. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)،
- شفیعی ثابت، ناصر (۱۳۸۵). نگرشی بر نظریه توسعه پایدار و شاخص‌شناسی آن. از سایت اینترنتی پژوهش‌های شهری و روستائی (ناحیه ای) شکوئی، حسین (۱۳۷۵). اندیشه های نو در فلسفه جغرافیا. تهران: انتشارات گیتاشناسی،
- شیرانی، حسین (۱۳۸۲). ساماندهی مکان. [تهران]: آذرخش،
- صرافی، مظفر (۱۳۷۹). برنامه ریزی توسعه منطقه ای. تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور،
- قاضی زاده، احمد (۱۳۷۹). جمعیت‌شناسی تحلیلی و تنظیم خانواده. [تهران]: انتشارات سماط،
- کریمی پور، یدالله (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر تقسیمات کشوری ایران؛ جلد نخست: وضعیت موجود. تهران: انجمن جغرافیائی ایران،
- گنجی، محمدحسن (۱۳۷۲). جغرافیا؛ سرگشتگی در تعاریف. مجله رشد آموزش جغرافیا- شماره ۳۵.
- مهدوی- مسعود (۱۳۸۶). اصول و مبانی جغرافیای جمعیت. بر اساس نظریات پروفیسور جان آی کلارک و همکاران. تهران: نشر قومس. با مساعدت دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران،
- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۴۵). سمنان: فرمانداری کل سمنان؛ مرکز آمار ایران
- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۵۵). سمنان: استان سمنان؛ مرکز آمار ایران
- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۶۵). سمنان: استان سمنان؛ مرکز آمار ایران
- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۷۵). سمنان: استان سمنان؛ مرکز آمار ایران
- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۸۵). سمنان: استانداری سمنان؛ مرکز آمار ایران،
- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۴۵). سمنان: شناسنامه آبادیها- فرمانداری کل سمنان. تهیه و تنظیم: مرکز آمار ایران
- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۵۵). سمنان: شناسنامه آبادیها- استان سمنان. تهیه و تنظیم: مرکز آمار ایران
- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۴۵). سمنان: شناسنامه آبادیها- استان تهران. تهیه و تنظیم: مرکز آمار ایران
- نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (۱۳۶۵). سمنان: شناسنامه آبادیها- استان سمنان. تهیه و تنظیم: مرکز آمار ایران
- نقشه راهنمای استان سمنان (۱۳۸۶). تهران: سازمان جغرافیائی نیروهای مسلح،